

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

رنجیر شماره ۱۶۲

۱۱ نومبر ۲۰۱۸

## فاشیسم و طبقه کارگر

رفقاء، تمایلات فاشیستی و میکروب های جنبش فاشیستی در قالبی کم و بیش توسعه یافته تقریباً در همه جا یافت می شود. با توسعه بحران بسیار عمیق اقتصادی و همچنین با بحران عمومی سرمایه داری که به شدت در حال تشدید است، در حالی که توده های کار و زحمت انقلابی می شوند، فاشیسم اقدام به تعرضی گسترده می کند. حاکمیت طبقه سرمایه دار بقای خویش را بیشتر و بیشتر در اعمال فاشیسم می یابد و به همین جهت به دنبال اقدامات استثنائی علیه توده زحمتکش می باشد. تدارک برای جنگ غارتگرانه امپریالیستی و تقسیم مجدد جهان با حمله به روسیه و چین.

فاشیسم قدرت سرمایه مالی است که ارتجاعی ترین تفکر عناصر عقب مانده جامعه را بسیج می کند. تشکیلات تروریستی است که جهت انتقام جوئی از طبقه کارگر و متحدین آن عمل می کند در سیاست خارجی، فاشیسم میهن پرستی افراطی را در بی رحمانه ترین شکل نفرت از دیگر فرهنگ ها و ملت ها ترویج می کند.

منع تأثیر گذاری فاشیسم بر توده ها چیست؟ فاشیسم می تواند توده ها را جلب کند زیرا برای رفع فوری ترین نیازها و خواسته های آن ها به عوام فریبی و جنجال متوسل می شود. فاشیسم نه تنها تعصباتی را که عمیقاً در میان توده ها ریشه دارد شعله ور می سازد بلکه روی تمایلات بهتر آن ها از جمله درک عدالت جوئی و سنت های انقلابی آن ها نیز تأثیر می گذارد، محافل امپریالیستی تلاش می کنند که بار بحران سرمایه داری را به دوش کارگران و مردم زحمتکش منتقل کنند، و به همین جهت نیاز به اعمال فاشیسم دارند.

آن ها در تلاش برای حل مشکل بازار به تصرف و تسخیر کشور های ضعیف، با تشدید استعمار، ظلم و ستم و تقسیم مجدد جهان از طریق جنگ مبادرت می ورزند، به همین دلیل به فاشیسم نیاز دارند. آن ها در صدد جلوگیری از رشد نیروهای انقلاب (طبقه کارگر سازمان یافته)، با توسل به سرکوب نیروهای انقلابی و پتانسیل متحده کلیه کارگران و به وسیله حمله نظامی به روسیه و چین. به همین جهت به فاشیسم نیاز دارند. تاریخ نشان داده است که این محافل امپریالیستی قبل از آن که توده ها به طور مصمم وقاطع رو به انقلاب آورند، موفق شده اند که شکست را به طبقه کارگر تحمیل کرده و دیکتاتوری فاشیستی را برپا سازند. به همین جهت ضروری است که کارگران در عمل علیه پیروزی فاشیسم متشکل و متحد شوند.

از لحاظ تاریخی پیروزی فاشیسم نشان دهنده ضعف طبقه کارگر، عدم تشکل و سازماندهی و افلیج بودن به واسطه سیاست متلاشی کننده سوسیال دموکراسی (سوسیال فاشیسم)، یعنی حزب کار، سبز ها و برخی از رهبران اتحادیه های

صنفي و غيره و همكاري با طبقه سرمايه دار. رهبران سوسيال دمكرات چهره واقعي و جوهر طبقاتي فاشيسم را از توده ها پنهان مي كنند و آن ها را به مبارزه عليه اقدامات ارتجاعي طبقه سرمايه دار فرا نمي خوانند. آن ها مسؤوليت تاريخي بزرگي را مبني بر اين واقعيت كه در لحظه تعيين كننده تهاجم فاشيستي المان ، بخش بزرگي از طبقه كارگر المان و تعدادي ديگر از كشورهاي فاشيست، خون آشامترين هيولاي سرمايه مالي را در فاشيسم كه بدترين دشمن آنان محسوب مي شد تشخيص ندادند و براي همين توده ها آمادگي مقاومت در مقابل آن را نداشتند.

همين پروسه (روند) امروز در استراليا جريان دارد. اين در عين حال ضعف خود طبقه سرمايه داري را بيان مي كند، ترس از تحقق يك مبارزه متحد طبقه كارگر، ترس از انقلاب و عدم توانائي در پوشاندن ديكتاتوري پنهان عليه طبقه كارگر با شيوه هاي كهنه دموكراسي و پارلمانتاريسم سرمايه داري.

\*\*\*\*

**نهاد بلشويكي استراليا غربي – برگرفته از ونگارد ، ارگان حزب كمونيست استراليا، ماركسيست لنينيست**